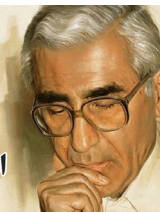


آفتاب حقوقی

سه‌شنبه ۲۸ آذرماه ۱۴۰۲ سال دوم شماره ۴۳ (آفتاب حقوقی به همراه روزنامه سراسری آفتاب بزد)

خاطراتی
از استاد
امیرناصر کاتوزیان



صفحه ۳

ثبت اختراعات فناوری سبز

متأثر از اقتصاد سیاسی کربن زدایی

کربن زدایی «Within Reach: Navigating the Political Economy of Decarbonization» که در نوامبر ۲۰۲۳ منتشر شده، آمده است که موانع اقتصاد سیاسی بر سر

راه کربن زدایی از طیفی از عوامل، از جمله منافع خصوصی، محدودیت‌های نهادی، و تأثیرات توزیعی ناشی می‌شود.

غلبه بر موانع اقتصاد سیاسی نیازمند رویکردی جامع است که چهار مؤلفه را مورد توجه قرار دهد: نهادهای، منافع، ایده‌ها و نفوذ. دولت‌ها می‌توانند چارچوب نهادی خود را با اقتصاد سیاسی

موجود تطبیق و نهادهای مدیریت آب‌وهوایی راهبردی و پایدار را ارتقا دهند. ظرفیت نهادی قوی برای اجرای مؤثر سیاست‌های اقلیمی ضروری است. سیاست‌های طراحی شده به‌صورت منسجم در ترکیب با اقدامات جبرانی کافی می‌تواند به کاهش اثرات توزیع کربن زدایی و ایجاد اجماع کمک کند. تعامل زود هنگام با همه ذینفعان برای ایجاد اعتماد، مدیریت انتظارات و رسیدگی به نگرانی‌ها بسیار مهم است. انتقال مزایای کربن زدایی به روشی واضح و جذاب می‌تواند به غلبه بر مقاومت در برابر تغییر کمک کند. پرداختن به نگرانی‌های مربوط به برابری و انصاف برای تضمین گذار عادلانه به اقتصاد کم کربن ضروری است. استفاده از اهرم همکاری بین‌المللی و فشار همتایان می‌تواند به کشورها در غلبه بر موانع اقتصاد سیاسی داخلی کمک کند. اصلاحات مالی می‌تواند فضای مالی را برای سرمایه‌گذاری در آب‌وهوا مساعد کند و اتکا به منابع درآمدی ناشی از ذخیره‌سازی کربن را کاهش دهد. ابزارهای مبتنی بر بازار، مانند قیمت‌گذاری کربن (carbon pricing)، می‌توانند انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید با کربن پایین و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را فراهم کنند. سرمایه‌گذاری در تحقیق، توسعه و استقرار فناوری‌های کم کربن برای کربن زدایی (decarbonization) ضروری است. حمایت از نوآوری و کارآفرینی در بخش فناوری پاک می‌تواند باعث پیشرفت بیشتر فناوری شود. توانمندسازی جوامع و افراد برای اقدام در مورد تغییرات اقلیمی می‌تواند پیشران‌های جدیدی برای کربن زدایی ایجاد کند. آموزش و افزایش آگاهی می‌تواند به ایجاد فرهنگ اقدام اقلیمی کمک کند. مداخلات رفتاری می‌تواند افراد و مشاغل را به سمت انتخاب‌های پایدارتر سوق دهد. رهبری و هماهنگی جهانی برای رسیدگی به چالش جهانی آب‌وهوا ضروری است. موافقت‌نامه‌ها و نهادهای چندجانبه می‌توانند چارچوبی



دکتر فرشید فرحناکپان
عضو هیئت‌مدیره کانون وکلای مرکز

کنفرانس آب‌وهوای کاپ ۲۸ (COP۲۸) در دبی یک پیام تاریخی و غیرقابل انکار را ارائه داد که سیستم انرژی جهانی باید از استفاده از زغال‌سنگ، نفت و گاز دور شود. نتیجه این کنفرانس بسیار دور از ایدئال است؛ بهتر از ترس است؛ اما کمتر از نیاز است. بیش از حد در برابر نیروهای دیپلماسی بین‌المللی سر تعظیم فرود آورد و دستاوردهای آن نسبت به واقعیت‌های غیرقابل تردید علمی بسیار کم است.

۱) ثبت اختراعات فناوری سبز

یونیدو (UNIDO) اخیراً در گزارشی مختصر تحت عنوان «چه کسی در خط مقدم فناوری سبز قرار دارد» (Who is at the forefront of the green technology frontier) به بررسی جایگاه صنایع و کشورها در فناوری سبز پرداخته است. از نظر این گزارش فناوری‌های سبز، به‌ویژه آن‌هایی که با انرژی‌های تجدیدپذیر مرتبط هستند، در آغاز قرن بیست و یکم عملیاتی شدند. بخش تولید، نیروی غالبی است که انقلاب فناوری سبز را هدایت می‌کند. تعداد اختراعات فناوری سبز نیز در ۲۰ سال گذشته ۲۰ برابر شده است و از حدود ۵۰ هزار به بیش از ۱ میلیون تا سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است. ایالات متحده آمریکا، چین، ژاپن، آلمان و کره جنوبی پنج کشور برتر از نظر ثبت اختراعات فناوری سبز هستند. بخش خصوصی محرک اصلی نوآوری سبز است که بیش از ۸۰ درصد از ثبت اختراعات فناوری سبز را به خود اختصاص داده است.

سیاست‌های دولت‌ها می‌تواند با ایجاد انگیزه برای تحقیق و توسعه، ایجاد یک محیط نظارتی حمایتی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های سبز، نقش مهمی در ترویج نوآوری سبز ایفا کند. همکاری بین‌المللی برای تسریع توسعه و استقرار فناوری‌های سبز ضروری است. کشورهای در حال توسعه برای حمایت از اهداف توسعه پایدار خود نیاز به دسترسی به فناوری‌های سبز مقرون به‌صرفه و کارآمد دارند. گذار به اقتصاد سبز نیازمند تلاشی جهانی برای دگرگونی تمام بخش‌های اقتصاد است. به همین دلیل است که اقتصاد سیاسی کربن زدایی در این میان مهم می‌گردد.

۲) اقتصاد سیاسی کربن زدایی

اقتصاد سیاسی کربن زدایی یک سیستم پیچیده و پویا است که توسعه و اجرای سیاست‌های اقلیمی را شکل می‌دهد. در یافته‌های گزارش اخیر بانک جهانی تحت عنوان «در دسترس: تحولات اقتصاد سیاسی



سرمقاله

دریافت وجه جهت جابجایی تأسیسات شهری خانگی ممنوع است



سید بهادر بهادری
حقوقدان

سوال:
شهرداری در اجرای ضوابط طرح‌های جامع تفصیلی مبادرت به احداث معابر جدید و اجرای طرح‌های توسعه شهری می‌نمایند و حسب بند ۲۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری

مصوب ۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی تکالیف خود را از حیث زیرسازی، جدول گذاری و نظایر آن انجام می‌دهند...

صفحه ۳

جایگاه تقصیر

در مسئولیت مدنی



حمیدرضا به گذر
وکیل پایه یک دادگستری

در لغت «مسئولیت، مصدر جعلی از مسئول، ضمانت، ضمان، تعهد و مواخذه است. و آنچه که انسان از وظایف و اعمال و افعال عهده دار و مسئول آن باشد».

و در اصطلاح حقوقی «مسئولیت» تعهد

قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است». آمده و «در همین معنا لفظ ضمان را به کار برده‌اند و...

صفحه ۴

نادداشت ۲

الزام به تمکین زوجه مجنون



نگار کمال
وکیل پایه یک دادگستری

سوال:
حکم قطعی از مرجع قضایی مبنی بر الزام به تمکین زوجه صادر میشود و پس از آن، زوجه مجنون شود، این امر چه تأثیری بر روند اجرای حکم دارد؟

پاسخ:

چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده الزام به تمکین، جنون زوجه را احراز کند قانوناً محملی برای صدور رأی وجود ندارد و چون تکلیف زوجه به تمکین در چنین...

صفحه ۸

مطالبه خسارت از محل بیمه نامه پیرامون تصادف ایجاد شده زیان دیده



سمیه ساریخانی
وکیل پایه یک دادگستری

از متصرف خودرو، بیمه نامه خودرو را مطالبه می‌کند تا بتواند خسارت را از بیمه مطالبه کند. راننده خودرو مدعی می‌شود که بیمه نامه در اختیار مالک خودرو می‌باشد.

مالک خودرو هم از ارائه بیمه نامه خودرو امتناع می‌نماید لذا زیان دیده...

صفحه ۸

صفحه ۷

رئیس دیوان عالی کشور خبر داد

اتقان آرای یکی از سیاست‌های اصلی قوه قضاییه

معظم رهبری در دیدارهای خود مکرر نسبت به اتقان آرای قضات تأکید فرمودند، از جمله سیاست‌های مدون در تعیین راهبرد اصلی قوه قضاییه بحث اتقان آرا است که از مهمترین مولفه‌هایی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

رئیس دیوان عالی کشور تصریح کرد: به موجب قانون اساسی مهمترین وظیفه دیوان نظارت بر حسن اجرای قانون در محاکم و دادگاه‌ها است و این مهم باید در جهت اتقان آرا ساماندهی شود.

رئیس دیوان عالی کشور ادامه داد: برای صدور آرای عادلانه که از اتقان کافی برخوردار باشد نیاز به وجود تمهیداتی از جمله آموزش، دانش به روز قضات، توجه به رفاه قضات، نظارت بر اجرای صحیح قانون در محاکم و... است، در مبانی شرع مقدس اسلام و قانون بر نظارت بر رأی قاضی تأکید شده است و در عهدنامه امام علی (ع) به مالک اشتر بر انتخاب بهترین افراد در قضاوت تأکید شده است.

حجت الاسلام والمسلمین منتظری خاطرنشان کرد: برخی از آقایان از کثرت نظارت بر قاضی گله‌مند هستند در حالی که نظارت دیوان عالی کشور در قانون اساسی تصریح شده و نظارت دیوان عالی کشور بر اجرای صحیح قانون در محاکم، در اتقان آرا تأثیرگذار است و برای این امر باید پرونده از ابتدا مورد بررسی قرار بگیرد، مثلاً در مواردی که ضرورتی ندارد قرار بازداشت نباید صادر شود و این موارد باید به قاضی صادرکننده رأی اعلام شود.



به موجب قانون اساسی مهمترین وظیفه دیوان نظارت بر حسن اجرای قانون در محاکم و دادگاه‌ها است و این مهم باید در جهت اتقان آرا ساماندهی شود.

مسئولیت‌ها را برای احقاق حق و عدالت عهده‌دار هستند و حتی اقدامی که ضابطین انجام می‌دهند در این مهم، نقش دارد و تحقیقات آن‌ها زیربنای اصلی در پرونده‌ها است، این امور برای رسیدگی به پرونده شهروندی است که مدعی است حق از او ضایع شده است و ما باید به وظیفه خود در چارچوب قانون و شرع عمل کنیم.

وی با اشاره به اهمیت اتقان آرا قضائی تصریح کرد: مقام

رئیس دیوان عالی کشور گفت: به موجب قانون اساسی مهمترین وظیفه دیوان، نظارت بر حسن اجرای قانون در محاکم و دادگاه‌ها است و این مهم باید در جهت اتقان آرا ساماندهی شود.

با حضور حجت الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری رئیس دیوان عالی کشور در نشست تخصصی نمایندگان نظارت دیوان عالی در استان‌ها گفت: به موجب قانون اساسی مهمترین وظیفه دیوان نظارت بر حسن اجرای قانون در محاکم و دادگاه‌ها است و این مهم باید در جهت اتقان آرا ساماندهی شود.

وی با اشاره به اینکه مسئولیت ما در دستگاه قضائی خطیر و سنگین است، ادامه داد: از شخص رئیس قوه قضاییه گرفته که سکان‌دار سیاست‌های اجرایی دستگاه قضائی است تا همه کسانی که مدیریت‌های گوناگون دستگاه قضائی را عهده دار هستند باید در جهتی حرکت کنند که خروجی نهایی کار آنها، صدور آرای باشد که از اتقان کافی برخوردار باشد، حق را ثابت کند و برای ذی حق آن را به منصفه عمل و اجرا برساند و همه این فرایندها مقدمه‌ای است برای اینکه مردم بتوانند در دعوی و مراجعات به دستگاه قضائی از یک رأی عادلانه و متقن برخوردار شوند. حجت الاسلام والمسلمین منتظری افزود: در این فرایند قضائی همه ما نقش داریم، قضات در دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، دادستانی و... مهمترین و مشکل‌ترین

آثار ابلاغ الکترونیک اوراق قضایی در سامانه

مشاهده ان آثار ابلاغ واقعی را دارد؛ لذا با توجه به انقضای موعده قانونی، دادگاه مستنداً به ماده ۴۴۰ و ۴۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری قرار رد تجدیدنظرخواهی صادر و اعلام می‌نماید؛ که متقاضی تجدیدنظر پس از ابلاغ رای و در فرجه مقرر قانونی و به شرح لایحه تقدیمی نسبت به آن تجدیدنظرخواهی و اعتراض نموده است. و موضوع جهت رسیدگی به این دادگاه ارجاع و ارسال و به کلاس *ثبت شده است.

اینک هیات دادرسان این دادگاه با عنایت به مجموع محتویات اوراق پرونده و بخشنامه مربوط به استیفاء ریاست محترم قوه قضاییه در جواز رسیدگی در امور بند ث ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری و با توجه به ابلاغ دادنامه تجدیدنظرخواهی آقای ف. ز. پ. به وکیل تجدیدنظرخواه و اعتراض وی بتاريخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۱ وکیل تجدیدنظرخواه و اعتراض وی بتاريخ ۱۹/۰۹/۱۴۰۱ بشرح صفحه ۷۴۲ پرونده هرچند از تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۶ لغایت (دوماه) استراحت داشته ولیکن مع ذلک فرصت جهت اعتراض بر فرض موجه دانستن استراحت داشته ولیکن اعتراض ننموده است؛ لذا تجدیدنظرخواهی را فاقد وجهت قانونی و دلیل بر نقض داشته و حسب بندب ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن رد اعتراض معترض دادنامه معترض عنه را تایید می‌نماید. این رای وفق ماده ۴۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری قطعی است.



رای دادگاه

بسمه تعالی - درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای م. غ. پ. با وکالت آقای ح. ت. ک. نسبت به دادنامه شماره مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ صادره از شعبه *در کلاس پرونده که به موجب آن در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ف. ز. پ. به وکالت از آقای م. غ. پ. نسبت به دادنامه شماره ۱۴۰۱، ۴۳۶۷، این شعبه، با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده و نظر به اینکه حسب گواهی نتیجه ابلاغ الکترونیکی، رای بدوی در مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۱ از طریق سامانه به وکیل محکوم علیه ابلاغ و توسط مخاطب مشاهده شده است. ولی لایحه تجدیدنظرخواهی در مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۹ تقدیم گردیده است، حسب مندرجات در دادنامه مذکور، و پرونده با تجدیدنظرخواهی به این شعبه ارجاع گردیده است. و به تاریخ فوق و در وقت فوق العاده جلسه شعبه *به تصدی امضای کنندگان ذیل تشکیل و پرونده بدوی و تجدیدنظر به کلاس فوق الذکر تحت نظر است. این دادگاه پس از بررسی اوراق و محتویات آن‌ها اقدام دیگری را لازم ندانسته و پس از مشاوره لازم در خصوص موضوع و با اعلام ختم رسیدگی و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان به شرح اتی مبادرت به اصدار رای می‌نماید.

وصول الکترونیکی اوراق قضایی در حساب کاربری مخاطب در سامانه‌ی ثنا، ابلاغ محسوب شده و به محض مشاهده، آثار ابلاغ واقعی بر آن مترتب است.

رأی دادگاه تجدیدنظر استان

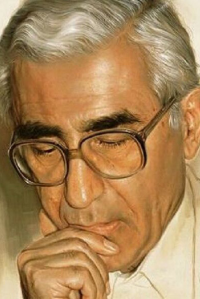
گردشکار: درخصوص تجدیدنظرخواهی آقای م. غ. پ. با وکالت آقای ح. ت. ک. نسبت به دادنامه شماره *مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ صادره از شعبه *در کلاس پرونده که به موجب آن در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ف. ز. پ. به وکالت از آقای م. غ. پ. نسبت به

دادنامه شماره ۱۴۰۱، ۴۳۶۷، این شعبه، با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده و نظر به اینکه حسب گواهی نتیجه ابلاغ الکترونیکی، رای بدوی در مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۱ از طریق سامانه به وکیل محکوم علیه ابلاغ و توسط مخاطب مشاهده شده است. ولی لایحه تجدیدنظرخواهی در مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۹ تقدیم گردیده است، حسب مندرجات در دادنامه مذکور، و پرونده با تجدیدنظرخواهی به این شعبه ارجاع گردیده است. و به تاریخ فوق و در وقت فوق العاده جلسه شعبه *به تصدی امضای کنندگان ذیل تشکیل و پرونده بدوی و تجدیدنظر به کلاس فوق الذکر تحت نظر است. این دادگاه پس از بررسی اوراق و محتویات آن‌ها اقدام دیگری را لازم ندانسته و پس از مشاوره لازم در خصوص موضوع و با اعلام ختم رسیدگی و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر شرف و وجدان به شرح اتی مبادرت به اصدار رای می‌نماید.

اجرای شرط تنصیف اموال تحت شرایط زیر امکانپذیر است: ۱- شرط تنصیف در سند ازدواج قید شده باشد. ۲- طلاق از جانب مرد باشد. ۳- طلاق ناشی از تخلفات زن از وظایف زناشویی و یا سوء اخلاق و رفتار وی نباشد. توجه داشته باشید شرط تنصیف تنها شامل اموالی است که در طول زمان زناشویی بدست آمده باشد و اموال قبل از عقد را شامل نمیشود. ضمن منظور از تنصیف بطور مطلق به معنای نیمی از اموال نیست و با توجه به شرایط از یک درصد تا پنجاه درصد است که تشخیص میزان آن بستگی به نظر قاضی دارد.

خاطرات حقوقی

خاطراتی از استاد امیرناصر کاتوزیان



برگرفته از کتاب «آن سفر کرده» / «دکتر عیسی کشوری»

۱۹

جمعی از همکاران و دانشجویان در حضور استاد بودیم. یکی از دانشجویان از ایشان پرسید چرا عده‌ای شما را از دانشگاه اخراج کردند، شما که مرتکب جرم و خلافی نشده بودید و سرانجام هم پشیمان شدند و شما را به دانشگاه برگرداندند؟

استاد پاسخ داد: دستم بوی گل می‌داد، مرا به جرم گل چیدن محکوم کردند، اما آنها فکر نمی‌کردند شاید من شاخه گلی کاشته باشم و آنها وقتی فهمیدند که ده سال گذشته بود.

سرمقاله

دریافت وجه جهت جابجایی تأسیسات شهری خانگی ممنوع است

سوال :

شهرداری در اجرای ضوابط طرح‌های جامع تفصیلی مبادرت به احداث معابر جدید و اجرای طرح‌های توسعه شهری می‌نمایند و حسب بند ۲۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۳۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی تکالیف خود را از



سید بهادر بهادری
حقوقدان

حیث زیرسازی، جدول‌گذاری و نظایر آن انجام می‌دهند؛ در همین راستا ادارات خدمات‌رسان حسب مورد برای اموری مانند لوله‌گذاری آب و فاضلاب، تیرهای برق، خطوط انشعاب گاز و تلفن اقدام می‌کنند؛ اما در برخی موارد ادارات آب و فاضلاب شهری هزینه‌های اجرای طرح مانند هزینه ادوات و لوله و اتصالات خریداری شده برای محورهای جدیدالاحداث داخل حوزه شهری را از شهرداری مطالبه می‌کنند و شهرداری مدعی است تکلیفی به پرداخت ندارد حال این سوال مطرح است کدام ارگان یا اداره‌ای باید هزینه‌های مربوط به ایجاد بستر خدمات انرژی (آب، برق، گاز و تلفن) را تأمین و پرداخت کند؟

پاسخ :

مستفاد از آیین‌نامه عملیاتی و شرایط عمومی تعرفه‌های آب و فاضلاب مصوب ۶۶ وزیر نیرو با اصلاحات بعدی و رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، پرداخت سهم هزینه سرمایه‌گذاری ایجاد تأسیسات آب و فاضلاب شهرها و شهرک‌های جدید با شهروندان می‌باشد و نهادهای دستگاهها و سازمان ذیربط صرفاً مسؤول وصول یا ایصال وجوه مذکور به شرکت‌های آب و فاضلاب می‌باشند؛ ضمناً با توجه به تبصره ۲ ماده ۲ قانون درآمد پایدار و هزینه‌های شهرداری‌ها و دهیاری‌ها مصوب ۱۴۰۱، اجرای طرح‌های توسعه شهری و روستایی که مستلزم جابجایی تأسیسات از جمله برق، آب و گاز باشد، بدون دریافت وجه توسط دستگاه‌های اجرایی ذیربط انجام می‌شود.

طلاق به خاطر قرمه سبزی خواهر شوهر

سهیل ادامه داد: یک روز که از رفتار سیما خسته شده بودم موضوع را با پدرش در میان گذاشتم اما آقای قاضی باور کنید پشیمان شدم، چون سیما و خانواده‌اش از من طلبکار شدند و وضع بدتر شد. هرطور بود تحمل می‌کردم تا اینکه خواهرم ازدواج کرد و مشکلات من با همسرم بیشتر شد.

قاضی با تعجب گفت ازدواج خواهرت چه ارتباطی به زندگی شما داشت؟

سهیل نگاهی به سیما کرد و گفت: این خانم که الان با چهره حق به جانب اینجا نشسته به شدت به زندگی خواهر من حسادت و زندگی ما را با زندگی آنها مقایسه می‌کند. در همین موقع سیما از جا بلند شد و با اعتراض گفت: این آقا می‌خواهد با تخریب شخصیت من را تحقیر کند و مقصر نشان دهد در حالی که اصلاً اینطور نیست. من زنی مستقل و آزاد بودم و هستم و اجازه نمی‌دهم کسی مانع پیشرفتم شود.

سهیل با شنیدن این حرف‌ها خندید و گفت: آقای قاضی این خانم توهم دارد فکر می‌کند همه می‌خواهند او را تحقیر کنند. همین هفته پیش که باهم بحث شدیدی کردیم می‌دانید دلیلش چه بود؟ خانه خواهرم دعوت بودیم و او قرمه سبزی درست کرده بود شوهرش هم از دستپخت خواهرم تعریف کرد اما سیما آنقدر عصبانی شد که مرا به اتاقی کشاند و گفت برو به شوهر خواهرت بگو جلوی من اینقدر از زنش تعریف نکنند با این کار می‌خواهد به من بفهماند که دستپخت همسرش از من بهتر است و قرمه سبزی که من دفعه قبل درست کرده بودم بدمزه بوده. آقای قاضی این حرف‌ها و رفتارش به قدری مرا عصبانی کرد که همانجا تصمیم گرفتم از هم جدا شوم چون دیگر تحمل رفتارش را ندارم. این زن روان مرا نابود کرده است از دست غولندهایش به ستوه آمده‌ام.

سیما بعد از شنیدن این حرف‌ها رو به سهیل کرد و گفت: من همینی هستم که می‌بینی نه تغییر می‌کنم نه به خاطر تو دست از خواسته‌هایم می‌کشم.

قاضی بعد از شنیدن مشاجرات این زوج به آنها گفت که دو ماه نزد مشاور بروند و اگر مشکلتان حل نشد حکم طلاق را صادر خواهد کرد.

امیر حسین صفدری کارشناس حقوقی

در این پرونده می‌بینیم که سیما با اینکه وارد یک زندگی مشترک شده اما انگار همچنان در دنیای دیگری برای خودش زندگی می‌کند و اصلاً اهمیتی به خواسته‌های همسرش نمی‌دهد و بدون مشورت و همفکری، مستقل و جداگانه برای خود تصمیم می‌گیرد و تصور می‌کند همچنان مجرد است. در صورتی که شرط زندگی مشترک همفکری و رعایت حقوق طرفین است.

نکته دوم که ایراد بزرگ سیما است مقایسه کردن زندگی خودش با دیگران است. او حق ندارد بگوید که چرا شوهر خواهرش از زندگی و همسرش تعریف می‌کند و نباید به سهیل فشار بیاورد که در زندگی آنها دخالت کند.

با این حال سهیل هم بی تقصیر نیست. او باید قبل از ازدواج راجع به تمام مسائل مهم زندگی مشترک با سیما حرف می‌زد و وقتی به نتیجه درست می‌رسید ازدواج می‌کردند اما این بی توجهی‌ها سبب شد به این نقطه برسند. بنابراین باز هم می‌بینیم که بی توجهی به برخی موارد در انتخاب همسر و قبل از شروع زندگی مشترک به شکل بزرگتری در آینده گریبانگیر زوجین می‌شود. / روزنامه ایران



وکالت در دادسرا و دادگاه نظامی

ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری، در جرائم علیه امنیت کشور یا در مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد و اطلاعات سری و به‌کلی سری است و رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح است، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید سازمان قضائی نیروهای مسلح باشد، انتخاب می‌نمایند.

تبصره- تعیین وکیل در دادگاه نظامی زمان‌جنگ تابع مقررات مذکور در این‌ماده است.

- سه‌شنبه ۲۸ آذر ماه ۱۴۰۲•سال دوم • شماره ۴۲



۱-بیان و تعاریف:

۱-۱ تعریف مسئول: در لغت ”مسئولیت، مصدر جعلی از مسئول، ضمانت، ضمان، تعهد و مواخذة است. و آنچه که انسان از وظایف و اعمال و افعال عهده دار و مسئول آن باشد“. و در اصطلاح حقوقی مسئولیت “تعهد قانونی شخص بر رفع ضرری که به دیگری وارد کرده است“. آمده و “در همین معنا لفظ ضمان را به کار برده‌اند و معنی آن هر نوع مسئولیت اعم از مسئولیت مالی و مسئولیت کیفری است.“ (جعفری لنگرودی،ص۳).

۲-۱ تعریف مسئولیت: مسئولیت به جمیع اقدامات و حرکاتی می‌گویند که یک‌فرد در قبال شخص دیگر، بر مبنای توافق یا خارج‌از توافق اقداماتی کند که باعث ورود خسارت به شخص شود. مسئولیت را در این قالب می‌توانیم به دو دسته مسئولیت‌های قراردادی و غیرقراردادی در امر حقوقی و مسئولیت‌های کیفری در بحث جزا و جرم شناسی از یکدیگر تفکیک کنیم. (شامبیانی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰).
۳-۱ تعریف مسئولیت مدنی: مسئولیت در مقام خسارتی که شخصی (یا کسی که تحت مراقبت یا اداره شخص است) یا اشیاء تحت حراست وی بدیگری وارد میکند و همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد. مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری استعمال میشود.

۲-انواع مسئولیت مدنی:

۲-۱- مسئولیت مبتنی بر تقصیر:

در این نوع مسئولیت، بار اثبات تقصیر به عهده زیان دیده است و زیان دیده از تمام دلایل و امارات می‌تواند برای اثبات تقصیر استفاده نماید. در واقع مسئولیت ضمان زیان زننده مشروط به اثبات تقصیر وی از ناحیه زیان دیده است.مثال بارز این نوع مسئولیت امین است. شخص امین مسئول نیست مگر در صورتی که تعدی یا تفریط کرده باشد و بار اثبات این تعدی و تفریط به عهده طرف دعوا می‌باشد.
بعبارت دیگر، طرف دعوا می‌بایست تقصیر امین را با دلایل و امارات ثابت کند و مادامی که وی موفق به اثبات تعدی و تفریط شخص امین نگردیده است حکم به ضمان امین نمی‌شود.یا ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مبتنی برنظریه تقصیر است. (صانعی، ۱۳۷۱، ص ۱۸۰)

۲-۲- مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر:

همانطور که قبلا بیان شد عیب بزرگ نظریه تقصیر این است که گاه زیان دیده نمی‌تواند خطای کسی را که به او ضرر زده اثبات کند و در نتیجه، خسارت جبران نشده باقی می‌ماند. برای رفع این عیب، قانون گذار درپاره‌ای امور، تقصیر عامل زیان را مفروض شناخته و زیان دیده را از اثبات تقصیر عامل ورود زیان بی‌نیاز می‌کند. بدین معنی که کسی که مدعی زیان است (زیان دیده) در مقام مدعی علیه قرار می‌گیرد و خوانده دعوی (عامل ورود زیان) باید ثابت کند که تقصیر نگرده است. به عنان مثال ماده ۳۸۶ قانون تجارت بیان می‌کند "اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آن‌ها داده‌اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید ." (علی آبادی، ۱۳۶۷، ص ۸۹).

۳-۲- مسئولیت نوعی (محض):

در حقوق ما مسئولیت مدنی مبتنی بر نظریه تقصیر است و هر کس مسئول زیان‌هایی است که به عمد یا در نتیجه بی‌احتیاطی به دیگران می‌زنند. ولی پیروی از این نظریه باعث می‌گردد که بسیاری از زیان‌ها به دلیل عدم توانایی خواهان در اثبات تقصیر خوانده و یا دشواری اثبات تقصیر وی جبران نشود لذا قانون و دکتري علاوه بر قائل شدن به فرض تقصیر برای خوانده در برخی موارد به منظور تأمین هر چه بیشتر حقوق زیان دیده، مسئولیت محض یا مسئولیت نوعی را معین نموده است (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۹۵).

تفاوت مسئولیت محض با فرض تقصیر در این است که در فرض تقصیر، خوانده اگر بی‌تقصیری خود را ثابت کند و یا اثبات نماید که علت وقوع حادثه و ایراد ضرر، فورس مازور و حادثه خارجی غیرقابل پیش بینی و غیرقابل دفع، بوده است از مسئولیت مبرا می‌گردد، در حالیکه در مسئولیت نوعی (محض)، فقط در صورتی که خوانده ثابت نماید که علت وقوع ضرر فورس مازور بوده است از مسئولیت مبرا می‌گردد و حتی اگر بی‌تقصیر خود را نیز ثابت نماید، تأثیری در مسئولیت وی نخواهد داشت و حکم به ضمان می‌گردد (ارجمند،۱۳۸۸، ص ۷۹).

۲-۴- مسئولیت مطلق (بدون تقصیر)

در مسئولیت بدون تقصیر، مسئولیت عامل ورود زیان همواره وجود دارد و زیان زننده مطلقا مسئول است و حتی اگر ثابت نماید که تقصیری نکرده است و یا علت ورود زیان و خسارت، قوه قاهره بوده است. موجب رفع مسئولیت از شخص نمی‌باشد؛ مانند ضمان غاصب در صورت تلف مال مغضوب، که غاصب مسئول تلف یا هر عیب و نقصی است که در عین مال مغضوب یا منافع آن ایجاد شود، هرچند که تلف ناشی از حوادثی باشد که به او مربوط نمی‌شود. (ماده ۴۹۳ قانون مدنی).

۳-۱-مبنای قانونی مسئولیت مدنی:

در متون کلاسیک و حقوق عرفی، دو نظریه تقصیر و خطر بیشتر از سایر تئوری‌ها مبنای مسئولیت مدنی را تشکیل می‌دهند.نظریه تقصیر مسئولیت مدنی را صرفا در صورتی قابل طرح می‌داند که وارد کننده خسارت در انجام عمل زیانبار، مرتکب تقصیری شده باشد و ملاک آن نیز سنجش رفتار مباشر است لذا اگر از نظر عرف، از رفتاری که برای حفظ حقوق دیگران لازم است تجاوز شده باشد، مباشر ملزم به جبران خسارت است بنابراین تنها دلیلی که میتواند مسئولیت کسی را نسبت به جبران خسارت توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر او و ضرر وارده است.اما طبق نظریه خطر، در برخی موارد بدون تقصیر هم مسئولیت ایجاد می‌شود بر همین اساس از آنجا که امروزه مواردی رخ می‌دهد که تقصیری در میان نبوده اما ضرری هم واقع نشده است. لذا در این فرضیه گفته میشود: هر کسی که به فعلیبتی بپردازد و شرایط خطرناکی را برای دیگران بوجود می‌آورد از آنجا که وی از این محیط منتفع میشود، باید زیانهای ناشی از آنرا نیز جبران کند. به عبارت دیگر برای مسئول دانستن شخص نیازی نیست که او در انجام عمل خسارت بار حتما مرتکب تقصیری شده باشد، بلکه همین که از عمل خطر آفرین او، خسارتی ببار آید، خواه در انجام آن عمل مرتکب تقصیری شده یا نشده باشد، مسئول بوده و باید خسارت وارده را جبران نماید(بجنوردی،۱۳۷۱،ص ۱۵۵).

۴-نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

از آنجایی که تقصیر معانی مختلفی داشته و به تبع آن دارای آثار

مجازات فروش مال غیر

مطابق ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مجازات این عمل حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده و رد مال به صاحبش است و اگر مرتکب از کارکنان دولت باشد به انفصال اید از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد و اگر متهم بنا به جهاتی مستحق تخفیف باشد مانند رضایت شاکی خصوصی، کفوالت سن و... دادگاه نمی تواند مجازات حبس او را از یک سال کمتر کند.

دانستنی‌های حقوقی

بررسی تطبیقی نظریه تقصیر در قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی

جایگاه تقصیر در مسئولیت مدنی

روانی حکایت دارند و آن غفلت و یا عدم پیش بینی واقع‌های است که مرتکب می‌توانست با اندکی دور اندیشی از آن اجتناب نماید. (صانعی، ۱۳۸۸،ص۳۷۳)

اگر چه همه این واژه‌ها از حیث ماهیت، امری مشترک هستند و اتر حقوقی واحدی بر آن مرتب می‌شود؛ اما از آنجایی که دادگاه‌ها مکلفند در هر مورد نوع خطای شخص را تعیین نمایند به شرح هر یک می‌پردازیم

الف) بی‌احتیاطی:

عدم توجه شخص به نتایج کاری که عرفا قابل پیش بینی است و در اثر آن صدمه یا ضرر و زیان به دیگری واردآید. مرجع تشخیص بی‌احتیاطی عرف است. راننده‌ای که با سرعت زیاد در خیابان پر ازدحام، بدون کم کردن سرعت خود به رانندگی می‌پردازد و در نتیجه آن، با عابری برخورد می‌نماید؛ مرتکب بی‌احتیاطی شده است زیرا عرفا چنین حادثه‌هایی قابل پیش بینی است و اگر این راننده کمی در مورد کار خویش می‌اندیشید که چه نتیجه‌ای در بر خواهد داشت، اقدام به چنین کاری نمی‌کرد.(شامبیانی ۱۳۷۵،ص ۱۴۱۶)

ب) بی‌مبالاتی

بی مبالاتی همان بی‌احتیاطی به صورت ترک فعل و خودداری از انجام عمل است. مانند این که پیمانکار ساختمانی در کنار حفاری‌های خود در مسیر رفت و آمد مردم، علایم هشدار دهنده را نصب ننماید و یا روی آن را نشویند؛ و از این طریق موجب صدمات جانی به اشخاص گردد. بی‌مالاتی، غفلت، مسامحه، سهل انگاری و اهمال از نظر معنی مترادفند مرجع تشخیص بی‌مالاتی معرفی است (ولیدی ۱۳۸۸،ص ۲۴۴)

۴-۳- نقش تقصیر در مسئولیت کیفری

تقصیر جزایی در اصطلاح عبارت است از انجام کاری که در ارتکاب آن، احتمال ایراد صدمه یا ضرر و زیان به دیگری و یا اختلال در امری از امور اجتماعی وجود دارد.قانون گذار تقصیر جزایی را تعریف ننموده و تنها در تبصره ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی، به ذکر مصادیق آن بسنده نموده است. تقصیر با خطای جزایی، عنصر روانی جرایمی است که اصطلاحا غیر عمدی نامیده می‌شوند. وجود این تقصیر در کلیه جرایم غیر عمد ضروری است و عنصر مادی به تنهایی برای تحقق جرم کافی نیست. به طور کلی برای آن که عنصر روانی تحقق پیدا کند علاوه بر اراده ارتکاب جرم، لازم است قصد مجرمانه یا خطای جزایی نیز وجود داشته باشد. در جرایم عمدی، "قصد مجرمانه"، عنصر روانی آن جرم است؛ اما در جرایم غیر عمدی، قصد مجرمانه منافی است و به جای آن "تقصیر"، رکن روانی جرم را تشکیل می‌دهد. در جرایم غیر عمدی، مرتکب عمل را با اراده انجام می‌دهد؛ اما نتیجه حاصله از آن را نمی‌خواهد و گاهی حتی این نتیجه را پیش بینی هم نمی‌کند.(صانعی ۱۳۸۸، ص ۳۷۰).

۴-۴-انواع تقصیر کیفری

تقصیر یا خطای کیفری به موجب تبصره ماده ۳۳۶ ق.ما عبارت است از: بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی هر چند قانون گذار خطای کیفری را به چهار دسته تقسیم نموده اما همه این واژه‌ها از یک وضع راهنمایی و رانندگی موجب بروز این حادثه شده است. نقض این



- سه‌شنبه ۲۸ آذر ماه ۱۴۰۲•سال دوم • شماره ۴۲

مقررات حتی اگر نتیجه‌ای در بر نداشته باشد به عنوان تخلف قابل تعقیب خواهد بود. تشخیص عدم رعایت نظامات دولتی با حرف نبوده بلکه زمانی که دادگاه این امر را احراز نمایند، مرتکب خطاکار و مقصر شناخته می‌شود. (ولیدی ۱۳۸۸،ص ۲۴۵)

۴-۵ تفاوت مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری

در مورد مسئولیت کیفری، بیشتر ضرر و زیان متوجه جامعه است، در صورتی که در مسئولیت مدنی، ضرر و زیان متوجه یک شخص خاص است.در مسئولیت مدنی، به دلیل اینکه عمل ارتكابی مغل نظم عمومی نیست، جامعه از خود دفاع نمی‌کند و متضرر از جرم باید خسارت‌های وارده به خود را از مرتکب مطالبه کند. اما مسئولیت در مقابل فرد در مسئولیت کیفری، متوجه جامعه است.هدف از مسئولیت کیفری مجازات مجرم است که به منظور دفاع از جامعه، پاسداری از نظم، جبران خسارت عمومی و اصلاح و تنبه سایر افراد به مورد اجرا گذاشته می‌شود؛ اما هدف از مسئولیت مدنی، جبران خسارت شخص زیان‌دیده است.پاره‌ای از جرایم با اینکه مجازات‌های کم و بیش سنگینی دارند، اما چون برای دیگران ایجاد خسارت نمی‌کنند توأم با مسئولیت مدنی نیست. همچون ولگردی و تگدی‌گری. برعکس، هر جبران خسارتی که موجب مسئولیت مدنی است، لزوما جرم و موجب مسئولیت کیفری نیست؛ مانند تصرف خارج از حد متعارف یک مالک در ملک خود که سبب ضرر و زیان همسایه‌اش شود(شامبیانی ۱۳۷۵،ص ۱۴۱۲)

از نظر حقوق جزا برای تحقق جرم، وجود سوءنیت یا قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی از ناحیه مرتکب جرم، برای اثبات مسئولیت کیفری در تمامی جرایم اعم از عمدی و غیرعمدی الزامی است.این در حالی است که از نظر حقوقی، احراز مسئولیت مدنی نیازی به اثبات سوءنیت فاعل ضرر زننده ندارد.احراز مسئولیت کیفری مستلزم بررسی عمیق شخصیت بزهارکار است و عدالت جزایی ایجاب می‌کند که خصوصیات فردی و جنبه‌های خاص روانی مجرم در ارزیابی رفتار مجرمانه او برای تعیین نوع و میزان مجازات به دقت مورد توجه قرار گیرد تا اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری کاملا رعایت شود.در حالی که در مورد مسئولیت مدنی، مبنای تقصیر، قابلیت انتساب عمل به واردکننده زیان نیست، بلکه از نظر رعایت مصالح اجتماعی کافی است که موضوع را با رفتار یک انسان متعارف مورد مقایسه قرار داد(صانعی ۱۳۷۱، ص ۳۵)..

نتیجه‌گیری:

از میان نظریات و دیدگاه های علمای حقوق که در متن این مقاله از آنها به خوبی استفاده شده و رنگ وبوی خوشی به طرح ابرازی مقاله داده، بر می‌آید که مسئولیت چه از حیث کیفری و چه از حیث مدنی در معنای عام کلمه، قابلیت پاسخگویی و جبران خسارت است و آنان که موضوع را تفکیک می‌نمایند و قابل به مسئولیت کیفری یا مسئولیت مدنی میباشند بطور قاطع میتوان گفت که وجه تمایز در فرد و جامعه است که هر گاه ضرر متوجه شخص شود میگویند چه در حوزه قراردادی و چه در حوزه مسئولیت مدنی چه در ایجاد شده است. که در نهایت شخص الزام به پرداخت خسارت خواهد بود. لکن در زمانی که مسئولیت متوجه میشود یعنی طیف عظیمی از جامعه در اثر این بی‌نظمی و مخل بودن رفتار شخص، جامعه بطور کلی متضرر میشود و به اصطلاح تبدیل میشود که در این پدیده مسئولیت نوعی ضرر از حالت شخصی به ضرر کیفری حاصل میشود که در این میان طرف دعوی پرونده، دادستان یا مدعی العموم خواهد بود که باید جبران مافات شود.لذا برای روشن شدن ذهن مخاطب بطور کلی از این موضوعات مطروحه در این مقاله این گونه مستفاد میشود که هر گاه تقصیر و بی‌احتیاطی و خطا در انجام رفتار شخص بر اثر ندانم کاری و عدم آگاهی باشد، مسئولیت بصورت کیفری خواهد بود و در این حالت شخص زیان دیده باید تقصیر زیان زننده رااثبات نماید و لیکن در جایی که در بین اشخاص، قراردادی موجود است در حوزه ی مسئولیت مدنی دیگر تقصیر جزایی نیست، خسارت، نیازی به اثبات تقصیر ندارد و دارا بودن قرارداد بین طرفین افاقه مینماید. و تقصیر به خودی خود اثبات شده تلقی میگردد. ولی در مسئولیت مدنی از نوع قهری، اثبات تقصیر و کوتاهی در رفتار علی القاعده میبایست توسط متضرر از خسارت اثبات و پرداخت شود.

مهلت پرداخت دیه، از زمان وقوع جنایت عمد موجب دیه، ظرف یک سال قمری است. مطابق ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی، مهلت پرداخت دیه، از زمان وقوع جنایت به ترتیب زیر است مگر اینکه به نحو دیگری تراضی شده باشد:

الف- در عمد موجب دیه، ظرف یک سال قمری پ- در شبه عمد، ظرف دو سال قمری پ- در خطای محض، ظرف سه سال قمری
رگاه پرداخت کننده در بین مهلت‌های مقرر نسبت به پرداخت تمام یا قسمتی از دیه اقدام نماید، محکوم له مکلف به قبول آن است.

ادامه در صفحه بعد

دانشتنی‌های حقوقی

سه‌شنبه ۲۸ آذر ماه ۱۴۰۲ سال دوم • شماره ۴۳

بهداشت قضایی چیست؟



بهداشت قضایی به معنای بررسی علل وقوع جرم و از بین بردن زمینه‌های وقوع جرم با استفاده از روش‌های پیشگیری از جرم است.

سلامت حقوقی و بهداشت قضایی یکی از روش‌های مطمئن برای پیشگیری از وقوع جرم است. این پدیده می‌تواند موضوعی، درون سازمانی و مربوط به ساختارهای قوه قضاییه و یا امری، خارج از تشکیلات قضایی باشد.

معنای بهداشت قضایی چیست؟

سلامتی به مفهوم فقدان بیماری و وجود رفاه جسمی، روانی و اجتماعی است. سلامتی، زمانی حاصل می‌شود که بیماری‌ها درمان شوند و از بروز آن‌ها پیشگیری شود. در مرحله بعد نوبت به ارتقای سلامتی و تحقق رفاه خواهد رسید، پیشگیری از بروز بیماری و ارتقای سلامتی تحت عنوان «بهداشت» مطالعه می‌شود. بنابراین، بهداشت، دانش پیشگیری از بیماری‌ها و تأمین، حفظ و ارتقای تندرستی و توانمندی بشر است.

وقتی جامعه از لحاظ عدم رعایت قوانین و مقررات، در شرایط غیرطبیعی قرار می‌گیرد، این هشدار را می‌دهد که حقوق عمومی در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی است و این بیماری می‌تواند به همه نقاط جامعه سرایت کند. در این حالت هرکس می‌خواهد، خود را صاحب حق نشان دهد و در نتیجه، با تنازع میان مردم، سلامت حقوقی جامعه برهم می‌ریزد و جرم شکل می‌گیرد.

پیشگیری از نقض سلامت حقوقی، می‌تواند با وضع تکالیف در روابط میان اشخاص انجام بگیرد. به عبارت دیگر، در حالی که مسئولیت مدنی، قراردادی و کیفری از جبران ضرر سخن می‌گوید، بهداشت قضایی پیشگیری از بروز ضرر را هدفگذاری کرده است. به عنوان مثال، یکی از اهداف اصلی وضع مقررات راهنمایی و رانندگی پیشگیری از بروز ضرر به سلامتی و اموال اشخاص است. یا اینکه ممنوعیت ایجاد آلودگی بهداشتی و صوتی به این جهت است که سلامتی جسمی و روانی اشخاص به خطر نیفتد.

بنابراین، حقوق سهم قابل ملاحظه‌ای در تأمین سلامتی جامعه دارد که بخش پیشگیری آن را می‌توان تحت عنوان «بهداشت قضایی» بررسی کرد.

با این تعریف، سلامت حقوقی و بهداشت قضایی، به معنای وضع قوانین و مقرراتی است که با هدف پیشگیری از ورود ضرر به سلامتی جامعه و ارتقای آن، حقوق و تکالیف اشخاص را بیان می‌کند.

در رویکرد بهداشت قضایی درون‌سازمانی، به جای رسیدگی به جرایم در دستگاه عدالت کیفری به مبانی اختلافات مردم و راه‌های پیشگیری از آن، به اموری مانند: نحوه معاملات و اصلاح روش‌ها، تغییر در سیستم ثبت معاملات، تغییر سیستم بانکی، چگونگی تنظیم سندهای ازدواج و راه‌های پیشگیری از وقوع مشکلات در این زمینه‌ها دقت و توجه می‌شود.

افزایش عوامل بازدارنده در جامعه مانند: تعظیم و تکریم انسانیت، توجه به اعتقادات و باورهای افراد، نهادینه کردن اخلاق، توجه به آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان، برآورده کردن نیازهای طبیعی و واقعی شهروندان، توجه به کنترل اجتماعی و نظارت همگانی، و اقداماتی از این دست، از عوامل برون‌سازمانی تشکیلات قضایی است که می‌تواند جامعه را به سوی بهداشت قضایی کارآمد هدایت کند و به تبع آن منجر به کاهش جرایم شود.

سلامت جامعه با رعایت بهداشت قضایی

مسئله جامعه بدون جرم وجود ندارد و تصور وجود جامعه‌ای

و ایمن‌سازی جامعه باید پیشگیری از جرم را به صورت جدی دنبال کرد، برای پیشگیری از جرم نیز باید ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را ریشه‌یابی کرد.

استمرار پیشگیری از جرایم به دنبال بهداشت قضایی و توجه به زمینه‌های اجتماعی وقوع جرم و تغییر این شرایط و آموزش مردم نسبت به حقوق خود، باعث کاهش جرم و اثرات مثبت آن در جامعه می‌شود.

برخی اقدام‌های قضایی در راستای سلامت حقوقی و بهداشت قضایی

بر اساس بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظیفه پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان به عهده قوه قضاییه نهاده شده است، اما قانونگذار مشخص نکرده کدام نوع از پیشگیری را مدنظر داشته است و به صورت کلی این وظیفه را به قوه قضاییه واگذار کرده است.

از آنجا که جامعه دچار بیماری کثرت جرایم و تخلفات شده است و نتیجه آن افزایش پرونده‌ها در دستگاه قضایی و فشار بیش از حد به قوه قضاییه است، باید به دنبال چرایی این مساله و پیشگیری از آن بود.

در این راستا، رویکرد بهداشت قضایی، سلامت حقوقی و اصلاح مبادی ورودی جرایم، می‌تواند کمک مهمی در پیشگیری از وقوع جرم داشته باشد.

پیشگیری غیرکیفری، تلاش دارد از طریق توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه، علل و عوامل و ریشه‌های زمینه‌ساز بروز جرایم و بزهکاری را از بین ببرد به طوری که انسان‌هایی پرورش دهد تا از مجرمیت به دور باشند.

جلوگیری از اجرایی شدن اندیشه مجرمان، با تغییر دادن اوضاع و احوالی که زمینه‌ساز وقوع جرایم مشابه می‌شود، اقدام مناسبی جهت پیشگیری از وقوع جرم است.

در همین راستا، قوه قضاییه از طریق معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم و پژوهشگاه قوه قضاییه در راستای ارتقای سلامت حقوقی و بهداشت قضایی جامعه تلاش می‌کند، با این حال به جهت گستردگی کار، همه افراد جامعه، مدیران، نخبگان و فرهیختگان نیز باید در این زمینه همکاری کنند.

از بین اقداماتی که در راستای بهداشت قضایی و سلامت حقوقی جامعه انجام شده است می‌توان به این موارد مهم اشاره کرد:

طرح الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول: به این نحو که با تصویب این طرح و اعتبارزدایی از اسناد عادی، زمینه وقوع بسیاری از جرایم مانند: زمین‌خواری، کلاهبرداری، فروش مال غیر، فروش یک ملک به چند نفر و ... از بین می‌رود و حجم پرونده‌های ورودی به مراجع قضایی به میزان زیادی، کاهش پیدا می‌کند و با حاکمیت بهداشت قضایی و حقوقی در بحث تملک، دغدغه‌های مردم و حاکمیت در این نوع معاملات کاهش خواهد یافت.

اجرای حدنگاری یا کاداستر (نقشه‌برداری ثبتی) که توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور انجام می‌شود و در نهایت منجر به کاهش ورودی پرونده‌ها و اختلافات و کاهش طرح دعاوی در محاکم کیفری و قضایی خواهد شد.

همچنین تمامی قوانینی که با بررسی عوامل زمینه‌ساز و موثر بر وقوع جرم، با اتخاذ تدابیری موثر راه وقوع جرم را می‌بندد، اقدامی در مسیر حاکمیت بهداشت قضایی و سلامت حقوقی جامعه محسوب می‌شود.

بدون جرم و بزهکاری، امری ناممکن است. جرم، هر فعل یا ترک فعلی است که قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد.

جامعه‌شناسان نیز، در صدد دستیابی به جامعه‌ای بدون جرم و با شرایط آرمانی که مردم آن، پایبندی کامل به قوانین و قواعد زندگی اجتماعی داشته باشند، برنیامندند. توصیف یک جامعه ایده‌آل از سوی اندیشمندان، عمدتاً به جهت وجود معیاری برای سنجش و ارزیابی جوامع است، تا ضمن تجزیه و تحلیل شرایط موجود، راهی برای دستیابی به یک جامعه مطلوب و امکان دستیابی به شرایط مناسب‌تر را فراهم کنند. بنابراین، وجود جرایم، به معنای پذیرش رفتارهای مجرمانه و بی‌اعتنایی به هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه نیست، بلکه بی‌قانونی و رفتارهای ضد ارزش و باید‌ها و نبایدهای مورد قبول اکثریت افراد جامعه یک معضل و مشکل اجتماعی است که در تمامی جوامع وجود دارد و باید به عنوان یک واقعیت مورد بررسی قرار گیرد.

گسترش آسیب‌ها، بزهکاری و جرایم گوناگون در جامعه، سیستم قضایی را به سمت بهداشت قضایی برای پیشگیری از وقوع جرم هدایت می‌کند.

برای داشتن جامعه‌ای سالم شاید برخورد با مجرم، ساده‌ترین راه حل باشد، اما موثرترین و کم‌هزینه‌ترین راه حل نیست. باید توجه داشت، هیچ‌گاه مجرم به تنهایی مقصر نیست بلکه غالباً این شرایط اجتماعی است که فرد را در این مسیر قرار می‌دهد و او را به یک مجرم تبدیل می‌کند. اقدام درست و اصولی، پیشگیری از وقوع جرم با توجه به علت‌ها و زمینه‌های جرم‌خیز و مجرم‌پرور به جای برخورد با معلول است.

هر پدیده اجتماعی، از جمله جرم مبتنی بر علت‌های متعددی است و تا زمانی که آن‌ها شناسایی نشوند و برای حذف زمینه‌ها و ریشه‌های آن تلاش نشود، همواره مجرمان جدیدی بوجود خواهند آمد که اداره جامعه را با چالش‌های جدی‌تری مواجه خواهند کرد.

ابزارهای کنترل رسمی از جمله پلیس و دستگاه قضایی باید به عنوان آخرین راه و در پایان فرایند کنترل جرم و مجرم مورد استفاده قرار گیرند. راه اساسی‌تر پیشگیری اجتماعی است. هزینه و تأثیر پیشگیری اجتماعی بسیار کمتر از دیگر انواع پیشگیری و کنترل انتظامی است.

دعاوی و جرایم برای جامعه ویروس هستند و اگر این ویروس زیاد شود، روابط اجتماعی را آلوده می‌کند و موجب افزایش دعاوی و پرونده‌ها می‌شود. جامعه باید در برابر بسیاری از جرایم و دعاوی واکسینه شود و به مردم آموزش‌های لازم در این زمینه ارائه شود. هر اندازه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و جامعه‌پذیر کردن افراد در جامعه، وظایف خود را به درستی انجام دهند بزه‌کاران و مجرمان کمتری به وجود خواهد آمد. برنامه‌های بهداشت حقوقی و قضایی از طریق بازنگری در رفتار حقوقی جامعه در راستای پیشگیری از جرایم و دعاوی بسیار مفید است. جهت رعایت بهداشت قضایی

در جنایت خطای محض، پرداخت کننده باید ظرف هر سال، یک سوم دیه و در شبه عمدی، ظرف هر سال نصف دیه را بپردازد. در صورتی که پرداخت کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار، قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد.

در مواردی که بین مرتکب جنایت عمدی و اولیای دم یا مجنی علیه بر گرفتن دیه توافق شود لکن مهلت پرداخت آن مشخص نگردد، دیه باید ظرف یکسال از حین تراضی پرداخت گردد.

یادداشت حقوقی

سه شنبه ۲۸ آذر ماه ۱۴۰۲ • سال دوم • شماره ۴۳

ثبت اختراعات فناوری سبز

متأثر از اقتصاد سیاسی کربن زدایی

ادامه از صفحه اول:

این گزارش نهایتاً نتیجه می‌گیرد که غلبه بر موانع اقتصاد سیاسی برای کربن‌زدایی شرط لازم اما ناکافی برای دستیابی به اهداف توافقنامه پاریس است. تلاش‌های بیشتری برای تسریع نوآوری فناوریانه، بسیج مالی و ایجاد ظرفیت در کشورهای درحال توسعه مورد نیاز است.

روشن‌ساز کلام

آنچه به دنبال نشست دوهفته‌ای در کاپ ۲۸ آشکار است تضاد اساسی بین نیاز به اقدام اقلیمی و اتکای اقتصادی به سوخت‌های فسیلی است. در توافق نهایی این نشست از کشورها خواسته شده است که از سوخت‌های فسیلی برای استحصال انرژی تا رسیدن به انتشار خالص صفر گازهای گلخانه‌ای در سال ۲۰۵۰ دوری کنند. پس از نزدیک به ۳۰ سال از برگزاری کاپ‌های آب‌وهوایی سازمان ملل، این اولین بار است که نیاز به چنین کاهش در استفاده از تمام سوخت‌های فسیلی؛ به‌عنوان تا حد زیادی بزرگ‌ترین عامل گرمایش جهانی، مشخص می‌گردد.

در این نشست تشخیص داده شد که برای محدود کردن گرمایش زمین به ۱/۵ درجه سانتی‌گراد، انتشار گازهای گلخانه‌ای تقریباً تا سال ۲۰۳۰ به نصف باید کاهش یابد. تقریباً همه کشورهای جهان نیز توافق کردند که این تغییر «در این دهه حساس» (in this critical decade) و «همگام با علم» (in keeping with the science) باید تسریع شود.

با این حال، اگر این توافق نهایی ضرب‌الاجل‌های قطعی (firm deadlines) برای زمان اوج گرفتن و کاهش یافتن مصرف سوخت‌های فسیلی در این دهه مشخص می‌کرد، این پیام بسیار واضح‌تر بود. بسیاری از کشورها به دنبال چنین نتیجه‌ای در دبی بودند، به‌ویژه کشورهایی که بیشتر در برابر تغییرات آب‌وهوایی آسیب‌پذیر بودند. خطرات به‌ویژه زمانی زیاد می‌شود که ایالات متحده به‌زودی دوباره توسط رئیس‌جمهوری هدایت شود که همین چند سال پیش این کشور را از توافقنامه آب‌وهوایی پاریس (Paris climate agreement) در سال ۲۰۱۵ خارج کرد.

به‌عنوان بخشی از توافق پاریس، کاپ ۲۸ باید به توافقی دست می‌یافت که برنامه‌های آینده کشورها را برای رسیدن به هدف محدود کردن گرمایش به ۱/۵ درجه سانتی‌گراد هدایت می‌کرد. این رهنمود اکنون بیش از آنچه توقع می‌رفت بلا تکلیف است.

همان‌طور که جان کری؛ فرستاده آب‌وهوای ایالات متحده، گفت: «ما می‌دانیم که این توافقات بیشتر یک مصالحه با اجماع همه طرف‌ها بوده است». چنین مصالحه‌هایی؛ که در آن تصمیم‌ها با اجماع اتخاذ می‌شوند، مدت‌هاست که در نشست‌های آب‌وهوایی تحت حمایت سازمان ملل غالب بوده است. درخواست‌ها برای اینکه تصمیم‌گیری در کاپ‌های آینده با اکثریت آرا باشد در حال تقویت شدن است.

پویایی این نشست با افشای نامه‌ای از رئیس اوپک به کشورهای تولیدکننده نفت متزلزل شد که آشکارا از آن‌ها خواسته بود «هر فرضیه یا فرمولی را که انرژی، از جمله سوخت‌های فسیلی، را به جای انتشار گازهای گلخانه‌ای هدف قرار می‌دهد رد کنند».

کارتل نفت در نهایت راه خود را نگرفت، اگرچه کشورهایی که به دنبال توافق قوی‌تر بودند نیز نتوانستند. در اقدامی نادر، البته شرکت‌های ملی نفت موافقت کردند که میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را؛ البته نه سطح تولیدشان را، کاهش دهند. کشورها توافق کردند که ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر (renewable energy capacity) را سه برابر کنند و نرخ بهره‌وری انرژی جهانی (global energy efficiency rates) را تا سال ۲۰۳۰ دو برابر کنند.

خساست صندوق خسارات و خسارات آب‌وهوایی (climate loss and damage fund)؛ که مدت‌ها مورد مطالبه بود، پذیرفته شد؛ زیرا کشورهای ثروتمند در روز اول کاپ ۲۸ بیش از ۴۰۰ میلیون دلار متعهد شدند که برای ران اندازی این صندوق اختصاص دهند. تعهد ۳۰ میلیارد دلاری امارات متحده عربی برای یک صندوق مالی جداگانه برای اقلیم با هدف بسیج ۲۵۰ میلیارد دلاری سرمایه‌گذاری سبز تا سال ۲۰۳۰ نیز مثبت است. انتقال انرژی جهانی (global energy transition) اما مستلزم آن است که این میلیاردها به تریلیون‌ها تبدیل شوند و بانک‌های توسعه چندجانبه (multilateral development banks) این مبالغ را در جهت افزایش تأمین مالی طرح‌های اقلیمی ارائه دهند.

کاپ ۲۸ فرصت ارائه تابلوهای راهنمای محکم‌تر در مورد سرعت و مقیاس اقدام جهانی آب‌وهوایی را از دست داد؛ اما به جای عقب‌نشینی که بسیاری را ترسانده بود؛ هنوز نشان‌دهنده یک گام به جلو است.

صدور قرار بازداشت موقت در چه مواردی امکان پذیر است؟

امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد.

تبصره- موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ملغی است.

همچنین مطابق ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی کیفری، صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل، منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:

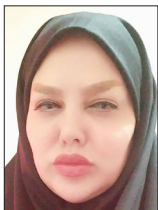
الف- آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از اداء شهادت امتناع کنند.

ب- بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.

پ- آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، موجب به خطر افتادن جان شاک، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

یادداشت حقوقی

هرگاه تعهد برخلاف مفاد توافق از اجناس با کیفیت پایین و یا تعهد ناقص اجرا شود



زهرا رستمی
کارآموز وکالت

سوال: هرگاه شخصی به موجب قرارداد تعهد کرده باشد با مصالح و اجناس درجه یک، ملک دیگری را بازسازی کند یا بسازد و برخلاف مفاد توافق از اجناس با درجه کیفی پایین‌تر استفاده کند و یا آن‌که از همان اجناس و مصالح مورد توافق استفاده؛ اما تعهد را به صورت ناقص اجرا کند

آیا می‌توان متعهد را به تخریب مصالح به کار رفته و ساخت و ساز یا بازسازی براساس اجناس مورد توافق ملزم کرد و آیا می‌توان از متعهد خسارت مابه التفاوت قیمت را دریافت کرد؟

پاسخ: هرگاه متعهد برخلاف مفاد قرارداد از اجناس و مصالح غیر منطبق با موضوع قرارداد و با درجه کیفی پایین‌تر در امر ساخت و ساز و یا بازسازی ملک استفاده کرده و یا با همان اجناس و مصالح مورد توافق تعهد را ناقص اجرا کرده است، حسب مورد می‌توان الزام سازنده به اصلاح و تغییر مصالح وفق مفاد قرارداد و یا الزام وی به جبران خسارات را مطالبه کند و دعوایی مبنی بر مطالبه خسارت فرع بر احراز عدم امکان اصلاح نیست؛ زیرا مفروض آن است که در فرض سؤال موعد اجرای تعهد قراردادی پایان یافته است و هرچند امکان درخواست الزام متعهد به اجرای تکالیف قراردادی جزء حقوق خواهان است؛ اما مانع از انصراف وی از آن و مطالبه خسارت نمی‌باشد. لذا در صورت طرح دعوی الزام به رفع نقص و اصلاح ساختمان، احراز مقدور بودن یا نبودن آن، بر عهده مرجع رسیدگی کننده است.

یادداشت حقوقی

قابل اعتراض بودن تخلفاتی که توسط دوربین پلیس ثبت می‌شود



هادی دهقان
دانشجوی حقوق

سوال: آیا تخلفاتی که توسط دوربین پلیس و یا دوربین‌های نظارتی بسیار ثبت می‌شود که اصطلاحاً به آن تخلفات دوربینی می‌گویند به لحاظ اینکه عامل انسانی در آن دخیل نمی‌باشد امکان اعتراض و رسیدگی در کمیسیون ویژه رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی می‌باشد یا خیر؟

پاسخ: کمیسیون ویژه رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی با حضور یک نفر قاضی و یک نفر از ماموران راهنمایی و رانندگی تشکیل می‌شود و نظریه مامور مذکور فقط مشورتی و صدور رای و اتخاذ تصمیم نهایی با قاضی مربوطه می‌باشد. برابر ماده ۴ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹ مقرر داشته است «در صورتی که تخلف توسط تجهیزات الکترونیکی ثبت شده باشد مراتب به نحو مقتضی به اطلاع دارنده وسیله نقلیه می‌رسد» در ماده ۵ این قانون به نحو مطلق برای کسی که تخلف به او منتسب شده است، حق اعتراض قائل شده و مقرر نموده در صورت اصرار معترض موضوع به واحد رسیدگی به اعتراضات ارسال می‌گردد و اطلاق عبارات یاد شده فرض سؤال را نیز در بر می‌گیرد.

با نظر اعضای هیأت عمومی دیوان عالی؛

شرایط اعاده دادرسی در «قسامه» تغییر کرد

۹۲ نفر رأی شعبه بیست و هشتم دیوان عالی کشور را تأیید کردند. قسامه (به فتح قاف و بدون تشدید) یکی از راههای اثبات وقوع جنایت (قتل و صدمات بدنی) در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران است. قسامه زمانی انجام می‌شود که قاضی مورد قتل یا جراحت وارده را از موارد لوث تشخیص دهد. لوث به معنی وجود قرائن و دلایلی است که برای اثبات وقوع جرم کافی نباشد ولی ظن به راست بودن آن وجود داشته باشد؛ مثلاً شهادت یک شاهد یا شهادت کودک مورد اعتماد یا حضور متهم در محل قتل همراه با آثار جرم برای اقامه قسامه سوگند خوردن ۵۰ نفر از بستگان پدری ذکور مدعی وقوع قتل لازم است. قسم خوردن این افراد مبنی بر وقوع قتل توسط متهم برای اثبات قتل کافی است. / مهر

عدول حالفین از سوگند بحث و تبادل نظر صورت گرفت. قضات شعبه بیست و هشتم دیوان عالی کشور موضوع را با بند ج ماده ۴۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری تطبیق داده و اعاده دادرسی را تجویز کرده‌اند، اما قضات شعبه سی و یکم دیوان عالی کشور پذیرش اعاده دادرسی را منوط به اثبات عدول حالفین از سوگند در دادگاه دانسته و اعاده دادرسی را رد کرده است. قضات هیأت عمومی دیوان عالی کشور پس از بحث مفصل پیرامون موضوع مطرح شده، در نهایت، رأی شعبه بیست و هشتم دیوان عالی کشور را صائب و موافق موازین قانونی تشخیص دادند. از مجموع ۱۱۵ نفر از قضات حاضر در جلسه هیأت عمومی اکثریت

با نظر اکثریت قضات هیأت عمومی، پس گرفته شدن قسم یک یا چند نفر از قسم خوردگان در قسامه، از موارد اعاده دادرسی و منطبق با بند ج ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری تشخیص داده شد. جلسه هیأت عمومی با موضوع قابلیت پذیرش یا عدم پذیرش اعاده دادرسی پس از بطلان قسامه به دلیل عدول حالفین از سوگند، با حضور حجت الاسلام والمسلمین محمدجعفر منتظری و قضات عالی رتبه دیوان عالی کشور برگزار شد. در این جلسه پیرامون اختلاف نظر بین شعب بیست و هشت و سی و یکم (سی و ششم سابق) دیوان عالی کشور در خصوص قابلیت پذیرش یا عدم پذیرش اعاده دادرسی پس از بطلان قسامه به دلیل

مراقبت الکترونیکی از متهم و شرایط آن

حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله
خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیر منقول
د - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

مطابق ماده ۳ آیین نامه مذکور، در مورد متهمین موضوع بند (چ) ماده (۲۱۷) قانون آیین دادرسی کیفری،

مقام قضایی پیش از صدور قرار تأمین، در صورت موافقت متهم، نسبت به تعیین محدوده مراقبت اقدام و مبادرت به صدور قرار نظارت قضایی کرده و آن را به متهم ابلاغ می‌کند. سپس متهم تحت الحفظ به مرکز اعزام می‌گردد تا نسبت به نصب و راه اندازی تجهیزات و آموزش وی اقدام شود. پس از حضور متهم یا محکوم علیه، مرکز موظف است با احراز هویت به شرح زیر اقدام نماید:

الف - اخذ وثیقه جهت جبران خسارت وارده به تجهیزات و اجرای تعهدات مربوط.
ب - ارائه آموزش‌های لازم به متهم یا محکوم علیه و اخذ تعهد مبنی بر رعایت ضوابط مربوط.
پ - نصب و راه اندازی تجهیزات.
ت - دریافت هزینه استفاده از تجهیزات از فرد تحت مراقبت مطابق تعرفه، هر ماه یا در صورت تمایل وی به صورت یکجا.



نظارت و کنترل فرد تحت مراقبت به صورت مستمر یا دوره ای، با استفاده از ابزار و تجهیزات الکترونیکی، مراقبت الکترونیکی گفته می‌شود. نظارت و کنترل فرد تحت مراقبت به صورت مستمر یا دوره ای، با استفاده از ابزار و تجهیزات الکترونیکی، مراقبت الکترونیکی گفته می‌شود. این مراقبت الکترونیکی صورت می‌پذیرد. این مرکز مطابق آیین‌نامه اجرایی «مراقبت‌های الکترونیکی» مصوب ۱۰/۴/۱۳۹۷ رئیس قوه قضاییه بخشی از سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور است که وظایف مربوط به نظارت الکترونیکی بر افراد تحت مراقبت را به عهده داشته و دارای واحدهایی از قبیل: پذیرش، فنی، مالی و پایش می‌باشد.

این تاسیس قانونی و حقوقی در اجرای مواد ۲۵۲ و ۵۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری، همچنین بند "چ" ماده ۲۱۷ قانون مذکور می‌باشد. مطابق ماده مذکور، به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف - التزام به حضور با قول شرف
ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام
پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف
ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام
ث - التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام
ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به

یادداشت حقوقی

مطالبه خسارت از محل بیمه نامه

پیرامون تصادف ایجاد شده زیان دیده

از متصرف خودرو، بیمه نامه خودرو را مطالبه می‌کند تا بتواند خسارت را از بیمه مطالبه کند.

راننده خودرو مدعی می‌شود که بیمه نامه در اختیار مالک خودرو می‌باشد.

مالک خودرو هم از ارائه بیمه نامه خودرو امتناع می‌نماید

لذا زیان دیده دادخواستی را علیه مالک خودرو و راننده مقصر حادثه مبنی بر مطالبه خسارت به صورت تضامنی مطرح می‌نماید.

حال این سوال مطرح است:

۱- آیا دادگاه می‌تواند هم مالک خودرو هم راننده مقصر حادثه را به پرداخت خسارات وارده به وسیله نقلیه زیان دیده محکوم نماید؟



سمیه ساریخانی
وکیل پایه یک دادگستری

پاسخ:

برابر قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ به ویژه تبصره ۲ ماده ۲ آن قانون و اصول حقوقی اصولاً کسی که وقوع حادثه و زیان منتسب به فعل او باشد مسئول جبران خسارت می‌باشد و همانطور که از تبصره فوق برداشت می‌شود مسئولیت جبران خسارت متوجه کسی است که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است و مسئولیت دارنده وسیله نقلیه راجع به تحصیل بیمه نامه موضوع قانون یاد شده می‌باشد نه این که وی مسئول پرداخت خسارت وارد شده در اثر فعل یا ترک فعل راننده مسبب حادثه باشد بنابراین مسئولیت جبران خسارات وارد شده به شخص ثالث متوجه راننده مقصر حادثه می‌باشد نه مالک خودرو ولی به هر حال خسارت از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت خواهد شد که با این وصف مسئولیت پرداخت خسارات از سوی مالک و راننده به نحوه تضامنی یا مشترک منتفی می‌باشد و زیان دیده باید شرکت بیمه را طرف دعوی قرار دهد تا بتواند از آن خسارت وارده را مطالبه کند

یادداشت حقوقی

الزام به تمکین زوجه مجنون

قابلیت استماع ندارد؛

همچنین چنانچه زوجه پس از قطعیت حکم تمکین دچار جنون شود، عدم اجرای حکم را نمی‌توان به وی منتسب کرد؛ بنابراین آثار نشوز نیز بر وی مترتب نخواهد شد.

چرا که امتناع امری ارادی و نفسانی است که مجنون فاقد آن است؛ بنابراین امتناع مجنون از اجرای حکم موضوعاً منتفی و راجع به مجنون قابل تصور نیست.

علیهذا حکم صادره قابلیت اجرایی خود را از دست خواهد داد مگر آنکه از جنون آن برطرف شود



نگار کمال
وکیل پایه یک دادگستری

سوال:

حکم قطعی از مرجع قضایی مبنی بر الزام به تمکین زوجه صادر میشود و پس از آن، زوجه مجنون شود، این امر چه تاثیری بر روند اجرای حکم دارد؟

پاسخ:

چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده الزام به تمکین، جنون زوجه را احراز کند قانوناً محملی برای صدور رأی وجود ندارد و چون تکلیف زوجه به تمکین در چنین حالتی متصور نیست لذا دعوای طرح شده